

اشاره: با زینت ابراهیمی در اجلاس پیداری اسلامی و زنان آشنا شدیم. او و تیم همراهش جزو هزار و دویست مهمانی بودند که از ۸۶ کشور جهان برای شرکت در این اجلاس به تهران آمده بودند. زینت ابراهیم همسر آیت‌الله شیخ ابراهیم زکزاکی همراه همسر بزرگوارش از سخنرانان اصلی اختتامیه اجلاس بودند. اجلاسی که به همت مجمع جهانی پیداری اسلامی شکل گرفته بود و بر تکت زیادی داشت. آن روزها و در آن میاهوی شیرین آشنایی مسلمانان از کشورهای مختلف و بحث و تبادل نظر، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که چند صباح دیگر، زمان آیدستن چه واقعه تلخی است برای خانواده آیت‌الله شیخ زکزاکی و شیعیان مظلوم نیجریه.

در روز قدس سال ۲۰۱۴ و در پایان راهپیمایی آرام و بدون تشنج شیعیان زاربا، ناگهان نیروهای نظامی ارتش نیجریه به جمعیت حاضر هجوم بردند و دست به کشتار روزوه‌داران زدند. روزه‌دارانی که به رهبری شیخ زکزاکی تنها در شعارهایشان خواستار آزادی قدس شریف و نابودی رژیم اشغالگر قدس شده بودند. در بین شهدای روز قدس نام سه تن از فرزندان این شیخ شریف می‌روشد. احمد، حمید و محمد پسران رشید

❖ می‌خواهیم به عنوان اولین سوال قدری راجع به جنبش اسلامی نیجریه و فعالیت‌های جناب شیخ زکزاکی در این حوزه بدانیم.

– بله. این جنبش در اواخر دهه ۷۰ زمانی که شیخ زکزاکی دانشجوی دانشگاه بود، آغاز شد و به بخش‌های دیگری از کشور به خصوص قسمت‌های شمالی گسترش پیدا کرد. البته بازخوردهای آن در قسمت‌های جنوبی هم دیده می‌شود، اما این تأثیرات حقیقتاً به اندازه آنچه در شمال رخ داده، نیست. این جنبش به پهنانه تغییر در جامعه آغاز شد. در واقع ما در نیجریه، یک تاریخچه‌ای از انقلاب اسلامی داریم که حدود ۲۰۰ سال پیش به وقوع پیوست. علی‌رغم اینکه اسلام یک دوره طولانی در نیجریه حضور داشته است، اما همان طور که می‌بینیم قرآن و احکام اسلامی بر امور جامعه حکومت نمی‌کند. بن فودیو یکی از پایه‌گذاران اندیشه اسلامی در نیجریه کاری شبیه به انقلاب اسلامی ایرانیان را در نیجریه انجام داد. انقلابی که تا قبل از آمدن استعمارگران وجود داشت. هرچند قبل از اینکه آنها بیایند، مسردم راه را گم کرده بودند. در این شرایط وقتی استعمارگران آمدند با نظامی مواجه شدند که انحرافاتی به آن تزریق شده بود. نظام اسلامی منحرف شده‌ای که آنها آمدند و آن را تکه‌تکه کردند.

❖ از نقش انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری تفکرات جنبش اسلامی نیجریه بگویید. از روندی که برای روشنگری مردم نیجریه طی شد.

– در آن زمان یعنی اواخر دهه ۷۰، مفهوم انقلاب اسلامی با نام امام خمینی(ره) مصادف بود و شناختی غیر از این در دنیا قابل درک نبود. اما تا سال ۱۹۷۹ زمانی که خداندن پیروزی را نصیب امام خمینی(ره) در ایران کرد، امید ما برای تشکیل ایالتی اسلامی مضاف شد. هر چند در همان زمان هم عده‌ای می‌گفتند که این کار غیرممکن است. در برابر این سخنان، ما به آنها آنچه را که مردم ایران تحت رهبری امام ابراهیم داده بودند، یاد آوری می‌کردیم. به اینکه آنها چطور توانستند در مقابل رژیم شاه ایستادی کنند و سرانجام با دست‌های خالی پیروز شوند. بنابراین آنچه در انقلاب اسلامی ایران اتفاق افتاده، امید ما را بیشتر کرد. این بود



که شیخ مردم را به هزاره قبل و زمان ظهور اسلام فراخواند. به زمانی که اسلام مسئول حکومت بر مردم بود.

❖ از اولین دیدار شیخ ابراهیم زکزاکی با حضرت امام خمینی(ره) و دستاوردهای این دیدار برانمان بگویید.

– یک سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یعنی در سال ۱۹۸۰، شیخ ابراهیم زکزاکی از اولین کسانی بودند که در اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران شرکت کردند. آن ایام امام خمینی(ره) به خاطر مشکل قلب در بیمارستان بستری بود و شیخ همراه با سایر ملاقات‌کنندگان به دیدن امام رفتند. این دیدار خیلی روی شیخ تأثیر

در جنگ سی و سه روزه که در تیر سال ۱۳۸۵ رخ داد رژیم صهیونیستی به خاک لبنان تجاوز همه‌جانبه‌ای کرد و جنگ سختی درگرفت اما متحمل شکست مفتضحانه‌ای از حزب‌الله لبنان شد. در طول این جنگ، جمهوری اسلامی ایران حمایت‌های گسترده‌ای از حزب‌الله انجام داد. سردار رحیم صفوی در مورد این جنگ و حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله لبنان می‌گوید: «اسرائیل در این جنگ ۳۳ روزه، مفتضحانه از حزب‌الله شکست خورد. البته کمک‌های معنوی و سیاسی از طرف ایران به حزب‌الله شد. ما هیچ ابایی نداریم از این که بگوییم ایران کمک‌های مادی، معنوی و سیاسی به حزب‌الله می‌کرد.»^۱

امام خامنه‌ای در روزهای نخست جنگ بی‌شماره برای حزب‌الله لبنان فرستادند که توسط سردار قاسم سلیمانی به سیدحسن نصرالله منتقل شد. در بخش‌هایی از این پیام آمده است: «این جنگ سخت خواهد بود، اما با رخا توکل کنید و پایداری نمایید. ما به پیروزی مقاومت یقین کامل و حتی بیش از آن، این مقاومت پیروز و سه یک قدرت منطقه‌ای تبدیل خواهد شد. از اطلاعات موجود (در طول جنگ) چنین بر می‌آید که دشمن برای آن برنامه‌ریزی کرده بود که با آغاز این اقدام خود، اسرائیلی‌ها با توافق آمریکا قصد داشتند تا این

ملاحظه می‌گردد در این پیام به در پیش بودن حمله اسرائیل در پاییز و جلو افتادن آن به خاطر اقدام حزب الله اشاره شده است که این اطلاع معظمظه از تصمیمات بسیار محرمانه رژیم صهیونیستی شگفتی جهانیان را برانگیخت.

سرانجام این جنگ با حمایت‌های گسترده ایران به نفع حزب‌الله خاتمه یافت.

و سیمای جمهوری اسلامی اعلام کرد که در طول جنگ از «ولایت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رهنمود و راهنمایی» دریافت می‌کرده است.^۲

سرتاجام این جنگ با حمایت‌های سیدحسن نصرالله بارها به نقش

و توانمند شیخ بودند که در این واقعه وسیله‌ای شده بودند از سمت پروردگار برای ابتلای این پدر و مادر مومن و انقلابی بزرگ. آزمونی که مهر تایید و قبولی آن را می‌شد به خوبی بر ناصیه شیخ دید: آن زمان که با طمانینه و سکینه قلبی بر پیکر نازنین پسرانش نماز خواند و آنها را یک به یک با دستان خویش به خاک سپرد. برای اینکه پای حرف‌های مادرانه زینت ابراهیم بنشینیم و روایت شهادت فرزندانش را از زبان خودش بشنویم، حوصله زیادی به خرج دادیم. مادر مانند کوهی از صبر و مقاومت پایه‌پای همسرش در فعالیت‌های جنبش اسلامی نیجریه شرکت داشت و برنامه‌های روزمره‌اش فشرده بود. بالاخره به همت دوست عزیزمان جومای احمد کروفی که نویسنده، کارگردان و معلم و از اعضای جنبش اسلامی نیجریه و یکی از دوستان زینت ابراهیم هستند، جلسه گفت‌وگوی تلفنی ما برقرار شد. جلسهای که منجر به ارتباطات نزدیکی شد. زینت ابراهیم فارغ از هزاران کیلومتر فاصله‌ای که بینشان بود، بسیار گرم و صمیمی برایمان حرف زد. گاهی از دغدغه‌های مادرانه و از دلتنگی‌هایش گفت؛ گاهی هم از آرمان‌های بزرگی که با همسرش از احیای جامعه مسلمانان نیجر به

گفت وگویی منتشرنشده با «مالما زین‌الدین ابراهیم» همسر شیخ ابراهیم زکزاکی قبل از اسارت مادری از نسل ام‌البینین (ع)

گذاشت. وقتی ایشان به نیجریه برگشتند تا حد امکان تلاش کردند تا مردم را درباره موفقیت انقلاب اسلامی ایران آگاه کنند. ایشان مرتب به همه می‌گفتند که بازگشت به اسلام و حکومت اسلامی امکان‌پذیر است. اگر خداوند این پیروزی را برای مردم ایران ممکن ساخته، پس در نیجریه هم این کار امکان‌پذیر است.

این حرف‌های شیخ در واکنش به صحبت‌هایی بود که آن زمان می‌شد. آن ایام خیلی‌ها معتقد بودند که الان زمانه عوض شده و این پیروزی و بازگشت به آنچه «بن‌فودیو» انجام داده، غیرممکن است. به عقیده بسیاری دیگر نیز، صحبت درباره اسلامی که ۱۴۰۰ سال پیش اتفاق افتاده بود، نوعی عقب‌ماندگی و ارتجاع بود.
خب آنها استدلال‌های زیادی هم می‌آوردند. استدلال‌هایی که فقط برای خودشان قابل پذیرش بود. اما واقعیت این بود که خداوند، پیروزی انقلاب را در ایران نصیب امام خمینی(ره) کرد و این پیروزی امیده‌های ما را برای تشکیل حکومت اسلامی افزایش داد. این گونه بود که جنبش اسلامی آغاز شد.

❖ یعنی بحث گرایش شیخ به مذهب تشیع بعد از دیدار ایشان با امام خمینی(ره) بود؟

– بله دقیقاً. آن زمان هیچ کدام از ما شیعه نبودیم. همگی پیرو مکتب فکری مالکی و از اهل سنت بودیم. بعد از سفر شیخ به ایران و دیدار با امام خمینی، ایشان ادعان داشت که خداوند امام‌خمینی(ره) را پذیرفته و پیروزی را به ایشان عطا کرده چرا که راه امام و خط امام مورد قبول خداوند است. شیخ قبل از اینکه به ایران بروند، درباره مکتب فکری امام خمینی(ره) تحقیق کردند و در نهایت متوجه شدند که امام پیرو مکتب

یک سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یعنی در سال ۱۹۸۰، شیخ ابراهیم زکزاکی از اولین کسانی بودند که در اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران شرکت کردند. وقتی ایشان به نیجریه برگشتند تا حد امکان تلاش کردند تا مردم را درباره موفقیت انقلاب اسلامی ایران آگاه کنند. ایشان مرتب به همه می‌گفتند که بازگشت به اسلام و حکومت اسلامی امکان‌پذیر است.

هدف اصلی جنبش چه بود؟

فکری جعفری است. پس از بازگشت از ایران و تشرف به مذهب تشیع، شیخ فراخوانی علنی در خصوص جنبش ارائه و اهداف جنبش را تبیین کرد. البته ناگفته نماند که بنا به مصلحت شیخ تا سال‌ها بعد جریان شیعه شدنشان را علنی نکردند.

❖ اهداف اصلی جنبش چه بود؟
– شیخ اعلام کرد که هدف بازگشت به سوی خدا و پایهریزی زندگی بر مبنای نظام اسلامی است. این جنبش که در ابتدا جنبشی مجزا و مشخص، متشکل از جامعه دانشجویان مسلمان بود، کمک به یک جنبش مردمی تبدیل شد. شیخ که یکی از مقامات رسمی جامعه دانشجویان

ایران در این پیروزی اشاره نمود از جمله: «از ایران به دلیل مشارکت در پیروزی جنگ ۳۳ روزه قدردانی می‌کنم»^۳

سیدحسن نصرالله در اولین سالگرد جنگ اسرائیل و حزب‌الله لبنان، در مصاحبه اختصاصی با صدا



جنگ اسرائیل علیه حزب‌الله بود در این عملیات که با عنوان «عملیات تغییر جهت» در ۲۰ مرحله به اجرا درآمد، پیچیده‌ترین حملات هوایی نیروی هوایی ارتش اسرائیل در تاریخ ۶۰ ساله آن به حساب می‌آید. در عین حال آنچه که در نهایت جنگ دوم لبنان نام گرفت در حالی به پایان رسید که می‌توان گفت از سال ۱۹۴۸ به این سسوا این عملیات بی‌ثمرترین عملکرد ارتش اسرائیل بوده است، بررسی عوامل شکست حملات

moghaavemat@kayhan.ir

در سر داشتند. جالب هم اینجا بود که آن‌قدر در بیان تاریخچه و اهداف جنبش اسلامی نیجریه هیجان داشت و از دستاوردها و موفقیت‌هایش خرسند بود که زمان زیادی صرف گفتن از پسران تحصیل‌کرده و توانمندش نکرد.

هیچ تصور نمی‌کردیم روزی متن این گفت‌وگو در نشریاتی آماده شود- که در ده‌هایمان آزادی شیخ زکزاکی و همسرش را از خدا بخواهیم. هیچ انتظار نداشتیم ارتش بی‌شرم دولت نیجریه به اقدامی وحشیانه بیش از هزارتن از خواهران و برادران نیجریه‌ای‌مان را به پهنانه‌ای پوچ و واهی قتل‌عام کند و صدای هیچ مدافع حقوق بشری بلند نشود. این روزها در بی‌خبری می‌گذرند. بی‌خبری از احوال شیخی که حالا افتخار دارد تا پدر شش شهید باشد. بی‌خبری از مادری که شش میوه دل و نمره قلبش را به فاصله کمتر از دو سال تقدیم دوست کرد و به یقین جز شکر او و رضایت به رضای او حال دیگری ندارد.

از آفتاب روشن‌تر است این حقیقت که آنچه در این ایام بر این زوج مجاهد می‌گذرد، طی‌طریقی است برای رسیدن به رشد و کمال. آنچه از سختی و تلخی تجربه می‌کنند،

گفت وگو و ترجمه: سعیده طاهری و فاطمه دوست‌کامی

ظهورش در جنبش آغاز شد. از آن به بعد خیلی‌ها نزد شیخ می‌آمدند و از او می‌پرسیدند که ایشان شیعه است یا سنی؟ خیلی‌ها ایشان را تحت فشار قرار می‌دادند تا اعتراف کند که جنبش فقط متعلق به اهل سنت است و نه شیعه. شیخ هم می‌گفتند که چنین چیزی امکان ندارد.

با وجود تمام این سختی‌ها می‌خواهم بگویم که ظهور شیعه در جنبش اسلامی، تنها لطف خداوند است. این لطف خدا است که جمعیت شیعیان اکنون در نیجریه به میلیون‌ها نفر رسیده و حالا شما می‌توانید اعضای شیعه جنبش را در بسیاری از مناطق دوردست کشور ببینید. البته این در حالی است که از دوستان اهل سنت هم افراد زیادی در میان ما هستند. ❖ اگر موافق باشید برگردیم به حادثه روز قدس. روزی که شما سه فرزند عزیزتان را تقدیم اسلام کردید. اگر ماجرای شهادت آنها برایمان بگویید.

– از وقتی که امام خمینی(ره) به مسلمانان جهان سفارش کردند که آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان روز قدس در نظر بگیرند، جنبش اسلامی در نیجریه نیز راهپیمایی این روز شریف را برگزار کرده است. هر سال آخرین جمعه ماه مبارک رمضان برادران و خواهران مسلمان راهپیمایی صلح آمیز را به ما می‌کنند. در روز قدس سال ۲۰۱۴ هم ما خیلی عادی مثل هر سال برنامه راهپیمایی‌مان را داشتیم. آن روز هیچ خبری درباره احتمال حمله به راهپیمایی دریافت نکرده بودیم؛ هر چند می‌دانستیم اسرائیل با شرکتی که الان نامش را فراموش کرده‌ام، قراردادی برای کشتن شیخ امضا کرده است! ما تصمیم شیخ زکزاکی در خطر است. اما هیچ چیز درباره خطر روز قدس نشنیده بودیم. گاهی اوقات

– ببینید برای عنوان کردن این موضوع به گذشت زمان احتیاج بود. باید در ابتدا بستری فراهم می‌شد تا همه توان در کن این موضوع را پیدا می‌کردند. چرا که آن زمان همه به مکتب فکری اهل‌سنت متمایل بودند و معرفی ناگهانی و بدون مقدمه مکتب شیعه امکان‌پذیر نبود. در این مدت شیخ فقط تلاش میکردند تا مردم را با تشیع آشنا کنند. به لطف خداوند

و به خاطر امیدی که مردم به شیخ داشتند، به تدریج آشنایی و آموزش مکتب جعفری شروع شد. دیگر بماند که این کار اصلاً کار آسانی نبود، مثلاًدر سال ۱۹۹۰ یا ۱۹۹۱، همایشی برای برگزاری جشن میلاد حضرت زهرا(س) برنامه‌ریزی کردیم. درآن جشن پس از سخنرانی سخنرانان مدعو، از شیخ خواستیم تا سخنان پایانی را ارائه کند. شیخ آن روز از ما خواست تا تحقیق کنیم و استدلال بیاوریم که چرا هیچ مجموعه‌ای از روایات حضرت زهرا(س) و سایر اهل‌بیت(س) در جریان اصلی روایات مانند آنچه که صحیح بخاری و غیره وجود دارد، موجود نیست.

بعد از آن روز بسیاری از خواهران و برادران به من گفتند که سخنان شیخ در آن جشن سبب شد تا آنها برای رسیدن به جواب سوالاتشان به دنبال کتاب‌های عقیدتی شیعه بروند! آن وقت بود که مسئله شیعه و



گزارشاتی از گزارشگران امنیتی می‌گرفتیم. چون بعضی از مقامات بالای امنیتی به شیخ بسیار وفادار هستند و به همین دلیل معمولاً شیخ را از نقشه‌های شیطانی آگاه می‌کردند.

احمد، حمید و محمد هر سه خارج از کشور درس می‌خواندند. احمد مهندسی شیمی می‌خواند و تا آوریل ۲۰۱۵ درسش تمام می‌شد. او رهبر گروه ابوالفضل(ع)بود. نهاد یوایی که بیشتر شبیه سپاه پاسداران در ایران فعالیت می‌کرد. آنها فعالیت‌های زیادی داشتند که توسط احمد رهبری می‌شد. حمید مهندسی پرواز می‌خواند. هر دو در درس مشغول به تحصیل بودند. محمد هم در جامعه‌المصطفی لبنان درس می‌خواند. همه برای تعطیلات آمده بودند. فقط محمد بود که در ماه شعبان آمده بود. احمد در ماه رمضان آمد و حمید پنج روز قبل از شهادتش برگشته بود. روز قدس، راهپیمایی در حال برگزاری بود که نیروهای ارتش از پشت به مردم حمله کردند. احمد در راهپیمایی حضور داشت و سریع از

آن بود که شکست خوردیم.»^۲

اعتراف کمیته تحقیق دولتی اسرائیل به شکست اعتراف دیگر مربوط به گزارش کمیته صهیونیستی وینوگراد است.

کمیسیون وینوگراد، کمیته تحقیق دولتی اسرائیل است که در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۶ برای بررسی عملکرد رژیم صهیونیستی در جنگ سی‌وسه روزه تشکیل شد.

این کمیسیون در اردیبهشت ۱۳۸۶ گزارش مقدماتی‌اش را ارائه داد. در این گزارش ایهود اولمرت (نخست‌وزیر، هم‌عصر پرتز ژوزف) وزیر و دان جاولس (رئیس وقت ستاد ارتش اسرائیل) مسئول شکست جدی این رژیم در جنگ «فدیه صادق» با حزب‌الله لبنان معرفی شدند.

گزارش نهایی کمیته وینوگراد نتایج کلی خود را در چهار محور تشریح کرد:

«الف- ایهود اولمرت نخست‌وزیر، در جنگ ۳۳ روزه نقش یک رهبر متغفل تلقی شد. نفوذ ارتش اسرائیل را ایفا کرد و پشتیبان اداره جنگ را به ارتش واگذار کرد در حالیکه طبق قانون مسئولیت اداره جنگ برعهده شخص نخست‌وزیر بود.

ب- عمیر پرتز وزیر جنگ، به هیچ وجه لیاقت تصدی سبت وزارت جنگ را نداشت و به علت بی‌بهری بودن از دانش کافی در زمینه امنیتی قادر به انجام وظیفه خود نبود. وزارت پدیده می‌آید، ضعیف بوده و با دشواری امنیتی در خدمت داشته باشد صرفاً

صفحه ۸ یک‌شنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۵ ۲۷ رمضان ۱۴۳۷ - شماره ۲۱۳۸۲

به واقع آخرین سرمستی‌هاست برای کسب مقام لقای حقیقی یار اما... از تمام اینها که بگذریم یک سوال بی‌جواب جور عجیب ذهن را می‌آزارد که به راستی آیا خداوند به راحتی از حقوقی که از این خواهران و برادران بی‌دفاع بر گردن ماست، می‌گذرد؟! تاوان این سکوت و فراموشی را چه کسی باید بدهد؟! قصه پرغمه کربلای زاربا بسیار عمیق‌تر و جانکاه‌تر از آنچه تاکنون روایت شده، بالاخره کی و کجا گریبان بشريت را خواهد گرفت؟ آن روز ما کجای این ماجراییم؟! حسرت و تاسف و اشک و آهی که صرف این تراژدی کردیم چقدر ما را از اتهام سهل‌انگاری‌ها و بی‌عاری‌ها نجات می‌دهد؟! کاش بیاید روزی که دوباره لحن شیوا و دوست‌داشتنی زینت ابراهیم سهممان شود. کاش برسند لحظه‌هایی که بتوانیم برای این شیخ شریف رسانه باشیم. ما بنشینیم و این پیر و مرشدی که حالا فقط از درجه یکی از چشمانش ظلمات این دنیا را به نظاره نشست؛ برایمان حرف دل بزند... اللهم فک کل اسیر... به حق مظلومیت شهید گلظمین، الهی آمین. با سپاس ویژه از آقای حسین بالا سلیمان از انجمن «بن‌فودیو» که ما را در تهیه نسخه پیاده شده انگلیسی این گفت‌وگو یاری کرد.)

حمید خواست که از خانه‌مان مواظبت کند، زیرا می‌دانستند که در این معرکه هدف، حمله به شیخ است. آنها نیروهای دولتی بودند، ارتشی که با سلاح‌های سنگین و پیچیده به مردم بی‌دفاع حاضر در راهپیمایی حمله کرده بودند. آن طور که بعدها شنیدیم، وقتی به پای پسرم حیدر(علی) شلیک کردند، حمید تلاش کرد او را نجات بدهد ولی آنها هر دوشان را دستگیر کردند. بعد از دستگیری حمید، به پای او هم تیر زدند و آن‌ها را به داخل ماشینشان انداختند. وقتی احمد برگشت و متوجه شد چه اتفاقی افتاده، او هم به آنجا رفت اما آنها به پشت و پای او هم شلیک کردند. پنج قسمت از بدن احمد تیر خورده بود. او را هم انداختند داخل ماشین. حمید از احمد پرسیده بود که چند بار به او شلیک کرده‌اند و احمد گفته بود پنج دفعه. ولی این حال هنوز زنده بود. احمد هوشیار نبود ولی هنوز زنده بود. آنها او را به سربازخانه بردند و شروع کردند به شکنجه برای شکنجه کردن از چاقو و انواع مختلف آلات شکنجه استفاده می‌کردند. حتی پای حیدر را که تیر خورده بود، با چاقو تا استخوانش تکه تکه کرده بودند. احمد و حمید و دیگر برادرانی که دستگیر شده بودند هم مورد شکنجه قرار گرفتند. به غیر از پسرانم برادران دیگری هم بودند که هم از لحاظ روحی و هم جسمی شکنجه شده بودند. وقتی ارتش مطمئن شده بود که احمد و حمید فرزندان شیخ هستند، باز هم به آنها شلیک کرده بود. آنجا افسری بود که کمی نرم‌تر بود. وقتی وضع مجروحین را می‌بیند متأسف می‌شود که چرا به جای بیمارستان آنها را به سربازخانه آورده‌اند. برای همین تصمیم می‌گیرد که آنها را به بیمارستان ببرند اما افرایشان وقتی می‌فهمند که ممکن است احمد نجات پیدا کند، به او شلیک کرده و شهیدش می‌کنند.

در هر حال راهی بیمارستان می‌شوند. در مسیرشان به بیمارستان، حمید را که هنوز نفس می‌کشد به وسیله چاقو زخمی کرده و تا قبل از اینکه به بیمارستان برسند، او را هم شهید کردند. اما محمد در راهپیمایی هدف اصابت گلوله قرار گرفت. او وقتی فهمید به تعدادی از برادران از عقب حمله شده به سمت آنها برگشت. همان موقع تیراندازی از عقب شروع شد و همه دراز کشیدند تا گلوله به آنها برخورد نکند. هنگامی که محمد فهمید که احمد، حمید و حیدر دستگیر شده‌اند، بلند شد تا به سمت آنها برود. همان موقع بود که به او شلیک شد. گلوله به شکمش خورد. در ابتدا من چیزی درباره احمد و حمید نشنیده بودم. فقط شنیده بودم



که محمد تیر خورده و غرق خون شده است. قبل از اینکه حجاب سرم کنم و بیرون بروم، به من گفتند که او را به بیمارستان برده‌اند. من هم به سرعت به دنبال آنها دویدم، اما قبل از اینکه به آنها برسم او را بردند. آن شب حیدر از بیمارستان به ما تلفن کرد و من از او پرسیدم که چه اتفاقی افتاده است؟ حیدر گفت که به پایش تیر خورده. وقتی از احمد و حمید سوال کردم، او شروع کرد به گریه کردن. از او پرسیدم آنها را کشتند؟ او هم گفت: بله! آنجا بود که من از شهادت پسرانم باخبر شدم. ❖ان‌شاءالله که خداوند هر سه فرزند شهید شما را میهمان سفره ارباب بی‌گفتنشان قرار بدهد. بابت فرصتی که برایمان گذاشتید بی‌نهایت سپاسگزارم. به امید فراگیری شدن آرمان و اهداف جنبش اسلامی نیجریه در سرتاسر کشور نان.

1. (MSS) Muslims students Society

دوشنبه: دو خاطره

آن ظهر گرم تابستانی

مریم عرفانیان

همراه حسن برای درو رفته بودیم سر زمین؛ ولی کارمان تا شب طول کشید و مجبور شدیم دیروقت بخوابیم.

وقتی برای خوردن سحری بیدار شدیم، نزدیک طلوع آفتاب بود! نمازمنان را خواندیم و دوباره برای درو، پای پیاده به مزرعه رفتیم، آن هم با دهان روزه.

باهم قرار گذاشتیم که کمتر درو کنیم تا خسته نشویم و بتوانیم روزمان را کامل بگیریم. اما برادرم با تمام قدرت در آن ظهر گرم تابستانی، گندم‌ها را درو می‌کرد، زیر لب ذکر می‌گفت و خدا را شاکر بود که تحمل سختی‌ها را برایش آسان کرده است.

✽ بر اساس خاطره‌ای از شهید حسن ایزانلو
✽ راوی: علی‌اصغر ایزانلو، برادر شهید

سفر

روزی که برادرزاده‌ام قرار بود به جبهه اعزام شود، در ایام ماه مبارک رمضان قرار داشت. گفتم:

«عمه جان! امروز روزات در باز کن، چون می‌خواهی بروی سفر».

گفتم: «نه عمه جان، صبر می‌کنم شاید اعزامم بعد از ظهر افتاد و بتوانم روزام را بگیرم».

آن وقت با لبخندی ادامه داد:

«روزه رو که نمی‌توان همیطوری خورد!»

می‌دانستم به مسائل شرعی به ویژه نماز و روزه اهمیت می‌دهد؛ اما نه تا این حد!

✽ بر اساس خاطره‌ای از شهید رمضان آموزگار

✽ راوی: زهرا آموزگار، عمه شهید